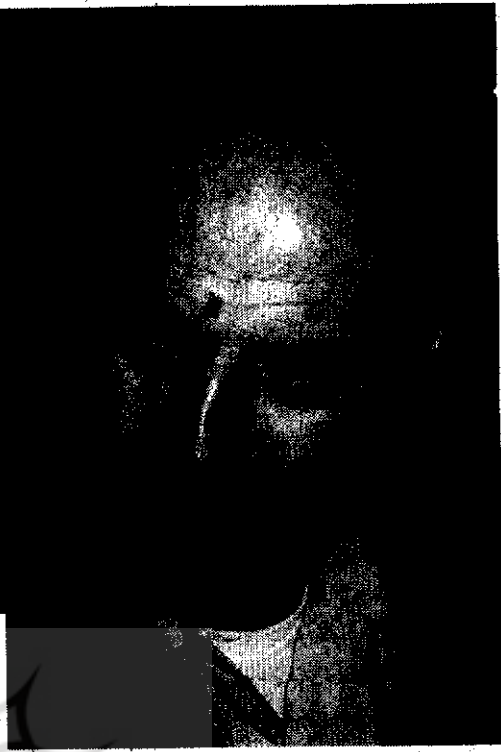


علیرضا محجوب:

به دنبال کسب نقاط قدرت خیز هستیم



این زمینه با این که جای خیلی خوبی است علاقه ندارم، جای من تشکیلات کارگری است و باز هم در شاخه کارگری آنجا مستقر شدم و فعالیت کردم. عمده فعالیت من منتها بیرون از حزب بود، کار کردن در تمام شوراها، کار بسط تشکلهای آنجا که در این باب مطرح بود، به طبع خانه کارگر مجموعه‌ای بوده که در اختیار جریاناتی بودند که کمی زودتر ما کلید اینجا را از مرحوم فروهر توانسته بودند اختیار کنند. بعداً چند بار با آنها مذاکره کردیم.

یعنی مرحوم فروهر یک مباحثه با آنها انجام داده بود؟

من این را بعید می‌دانم که مباحثه صورت گرفته باشد. من تصور می‌کنم که ایشان اغفال شده باشند در شناخت کسانی که بهشان رجوع کردند و کلیه دریافت کردند. اگر ایشان حتم داشت که اینجا چریک فدایی یا چپ هستند قطعاً چنین نمی‌کرد. من حداقل این شناخت را پیش از این ندارم.

آیا گروهک نفاق (مجاهدین خلق) در خانه کارگر حضور داشتند؟

نه عرض کردم که در این تشکیلات نبودند، فقط گروههای چپ، حزب توده، چریک‌های فدایی، بیکار و راه کارگر توانسته بودند که با هم اینجا را عهده‌دار بشوند. به همین علت اگر بگوئید که اینجا در اختیار احزاب بوده آژوه ما هم آمده‌ایم. به آنها گفتیم که ما شوراهای اسلامی هستیم، اکثریت هستیم و اگر می‌خواهید انتخابات کنید بسم... سه بار مذاکره کردیم که بعضی از اینها که توی این سایت‌ها گفته که فلان کس من را بیرون کرد، هل داد. من اصلاً نبودم

شورای مرکزی و دفتر سیاسی آن حزب بودم، اما قبل از این که در آن حزب مقامی باشم، کانون شوراها را در روزهای اول انقلاب تأسیس کردیم. قبل از انقلاب هم من به خاطر اعتصاب، از محیط کارم اخراج شدم؛ یعنی به عنوان سازماندهی اعتصاب اسمم را جلوی در زدند و جلوی ورودم را به محیط گرفتند.

کجا کار می‌کردید؟

آخرین محلی که این اتفاق بر این افتاد شهرک اکباتان بود آن موقع بعداً فهمیدم که طرف گفتگوی من معاون ساواک بود که آنجا مسئول حفاظت بوده است، این را در خاطرات فردوست خواندم که تیمسار دادتاش که ما با هم در مورد مسائل صنفی مذاکره کردیم معاون ساواک بوده است چون اعتصابات بعد از پیروزی انقلاب هم بلافاصله در همان واحد و بقیه واحدها شورای اسلامی کارخانجات را تأسیس کردیم، اساسنامه شورا هم همان جا نوشته شد. انجمن‌های اسلامی بعدها تأسیس شد. در کارخانه‌ها تا سال ۵۹ انجمن نبود، شورا از دی و در بعضی از واحدها مهر و بعضی‌ها هم زودتر تابستان ۵۷ یعنی ماه‌ها قبل از انقلاب مادر شوراهای اسلامی اعتصاب داشتیم.

پس از انقلاب، از شوراهای اسلامی کارخانجات که بعد به شوراهای اسلامی کار تبدیل شد، فعالیت‌های کارگری‌مان را شروع کردیم. در حزب جمهوری اسلامی هم من هرگز می‌کنم روز اول اسفند بود رفتم. به من گفتند برو در دفتر سیاسی کار کن، اما فقط چهار روز توانییم آنجا بکار کنیم، گفتم من در

در انتخابات مجلس چهارم وقتی شما کاندید شدید همراه با مجمع روحانیون مبارز رأی نیاورید بعد آن گونه که بعضی روزنامه‌ها مانند سلام نوشتند به خانه کارگر نزدیک شدید و در میان دوره‌ای رأی آوردید. مجلس پنجم هم در مجلس بودید و مجلس ششم هم همین طور. آیا این درست است؟

مقداری درست است مقداری هم برعکس است. من در میان دوره‌ای کاندید منفرد بودم و در واقع نفر پنجم شدم، مجلس چهارم نفر لازم داشت.

من نفر پنجم شدم، ۱۲۷ هزار رأی آوردم در اولین باری که کاندید شدم آن هم میان دوره‌ای مجلس سوم بود. در مجلس چهارم همان طور که شما فرمودید اما از اولی که کاندید شدم یعنی از میان دوره‌ای مجلس سوم مستقل کاندید شدم و در مجلس چهارم در لیست آن مجمع واقع شدم.

من سوالم از همین جا شروع می‌شود، خانه کارگر یک تشکل صنفی است یا یک حزب سیاسی؟

خیلی ساده‌اش، دو تا قریبه وجود دارد. یکی این که ما برآمده هستیم از یک طیف سیاسی و هرگز این را منکر نیستیم.

کدام حزب سیاسی؟
من و بسیاری از دوستانم در سال ۵۸ عضو حزب جمهوری اسلامی بودیم و من حتی عضو

نوعی همکاری داریم و این را هم بر اساس منافع کارگران تنظیم می‌کنیم. خود هم اختیار می‌کنیم. هرگز تحت اختیار هیچ دستگاهی نبوده‌ایم!

منافع کارگری یا منافع حاکمیت؟

نه هرگز. ما در جهت منافع کارگری هیچ چیزی را که بر مقابل مجموعه منافع کارگری باشد ولو فدای این منافع تعریف و تعبیر نکردیم. ولی هرگز از حاکمیت جدا نبودیم. الان هم جدا نیستیم. خود را به عنوان بخشی از حاکمیت می‌شناسیم و دفاع از حاکمیت را هم اساس کار خود می‌دانیم. هرگز مخالف حاکمیت نبودیم و ادعا نکردیم که مخالف حاکمیت هستیم. مخالف کسانی هستیم که با حاکمیت ستیز می‌کنند اما این هرگز به این معنا نیست که ایجاب یک بخشی بوده در اختیار دستگاه اطلاعاتی کشور یا یک دستگاه یک بخشی از دستگاه دولتی کشور. ما همیشه خط خاصی را داشتیم و همه دولت‌ها از دولت مهندس بازرگان که خط فاصله با آن داشتیم تأیید کردیم. خط فاصله مان را هم داشتیم تا امروز. مواضع کاملاً یکسانی را از اول انقلاب داشته‌ایم. می‌توانید راجع به ما مطالعه کنید. بیانیه‌های ما هست یعنی از همان زمان مطالعه کنید هم خط فاصله‌های ما را ببینید و هم تأییدهای ما را. این هم به معنای این است که با حاکمیت مخالف نبودیم و نیستیم ولی صحبت اول من را هم داشته باشید هرگز برای ما هیچ توجیهی وجود نداشته که مصالح کارگران را با چیزی که تعبیری که شما یا هر کس دیگری دارد معامله کنیم.

اگر زمانی منافع نظام با منافع کارگری در تضاد باشد شما کدام را انتخاب می‌کنید؟
این سوال که شما می‌کنید از دو بعد قابل بحث

دارد؟ قبل از آن نه ایشان عضو سرویس اطلاعاتی بود و نه در ایران. ما سرویس اطلاعاتی به آن معنی داشتیم. ایشان ارتباطی با آنها هم نداشته است.

دور رفتن نخست‌وزیری چگونه؟

نه هیچ ارتباطی نداشته. آقای خسرو تهرانی چون در این موقع کار اطلاعاتی می‌کرد چون ما وابسته به مجاهدین انقلاب نبودیم. نمی‌توانستیم با او رفاقت زیادی داشته باشیم.

یعنی حزب جمهوری اسلامی با مجاهدین انقلاب اسلامی ارتباط نداشته؟

نه حزب جمهوری اسلامی هم ارتباط این چنینی نداشته.

اما خسرو تهرانی آن موقع یک چهره کاملاً شناخته شده بود.

بله، دقیقاً قبول داریم و حرف من این است که به ما نه سرویس می‌دادند، نه رابطه‌ای به ما داشتند. هرگز با ما دستگاه اطلاعاتی کشور نه رابطه بدی داشتیم. نه رابطه سازمان یافته آن چنانی!

پس وجود نوعی همکاری را تأیید می‌نمائید؟
حتماً با همه دستگاه‌ها در نظام جمهوری اسلامی

ما از روز اول صادقانه گفتیم ما به دنبال کسب نقاط قدرت خیز و قدرتمندی هستیم که می‌تواند منافع کارگران را حفاظت و تأمین کند به همین خاطر کوشیدیم هم آقای کمالی را وارد کابینه کنیم اگر می‌توانستیم، سه وزیر دیگر را هم وارد می‌کردیم

نوی این کشاکش‌ها که بخواهم کسی را هل بدهم یا مثلاً بگویم برو بیرون، بگویم بنشین! موقعی هم که ما پس از اختطار سوم وارد اینجا شدیم، دو نفر بیشتر در این ساختمان نبودند. آن دو نفر در مقابل صندها نفر که داخلش شدند نه قابل زدن بودند، نه قابل برخورد، نه قابل این چیزهایی که نوشتند بعد هم چریک‌های فدایی خلق و سماً سازماندهی می‌کردند برای پس گرفتن اینجا، هزاران نفر راه‌انداختند. چون جمعیت ما از سر خیابان تا ته خیابان بود نتوانستند وارد خیابان شوند رفتند در میدان فردوسی.

یعنی نزاع و زد و خورد بین شما و آنها روی نداد؟

حتی زد و خورد ما نکردیم چون جمعیت ما زیاد بود. آنها اجازه زد و خورد به ما اراندند یک بار دیگر از خیابان جمهوری اقدام کردند که ما آن موقع در جریان نبودیم یعنی اصلاً از حرکت آنها مطلع نبودیم. گروه‌هایی از مردم که عبور می‌کردند وقتی دیدند که اینها دارند شعار می‌دهند پیاده می‌شدند و در مقابل اینها قرار می‌گیرند ما بعد از آن مطلع شدیم. به هر حال غیر از این هم دیگر هیچ درگیری و هیچ منازعه‌ای

برای نه پس گرفتن و نه ماندن، نه بودن آنجا صورت نگرفته. جز این که آنها مدعی شدند اینجا در اختیار کمیته بوده که این حرف بی‌ربطی است. نه من هیچ وقت عضو کمیته انقلاب اسلامی بودم و نه دوستانم و طبیعی است که ممکن است در دوره‌ای برای حفاظت از آنها کمک گرفته باشیم ولی حالا این هم چون یادم نیست که از کمیته بود یا از جای دیگر.

حداقل بخشی از بچه‌هایی که اینجا بودند مثل آقای علی ربیعی به سرویس امنیتی وابسته بودند البته این اتهام در مورد خود شما هم صادق است. این طور نیست؟

این اتهامات اتفاقاً خوب است که جواب داده شود. آقای ربیعی در حقیقت وقتی جنگ شروع شد می‌بایست می‌رفتند خدمت سربازی یا از طریق سپاه یا از طریق ارتش. ایشان وارد سپاه شدند آنچه که باعث ورود ایشان شد به مسائل دیگر ورود ایشان به عنوان سرباز بوده است این چه ربطی به قبل از تأسیس خانه کارگر و اتفاقات قبل از آن





است، راجع به منافع ملی تفسیر وجود دارد یا راجع به حاکمیت و نظام تعریف وجود دارد. در باب دشمن خارجی همواره حاکمیت و نظام را انتخاب می‌کنیم و هیچ تردیدی نخواهیم داشت، حتی اگر مخالف هم باشیم. در باب مسائل داخلی همواره منافع خودم و مجموعه‌ام را انتخاب می‌کنم ولی هرگز مفایر قانون و خارج قانون عمل نمی‌کنم یعنی قانون را چارچوب می‌دانم و منافع مجموعه سرلوحه می‌دانم اما هرگز غیر از این چیزی را قابل تفسیر نمی‌دانم این اگر اسمش حاکمیت ما حاکمیت هستیم و اگر دولت، خود دولت هستیم، ولی اسم این یعنی رعایت یک حدود و یک تشکل صنفی بایستی مدافع آن باشد، مدافع این حدود هستیم، اما هرگز در موضع یک حزب نتوانستیم عمل کنیم در

گفتند در فلان نشست راجع به فرد چند نفر تندی کردند، گفتیم فیلمش را خواهیم دید یا تک تک افراد هم برخورد خواهیم کرده توبیخ تشکیلاتی برایشان خواهیم نوشته، چون ما خود را یک تشکیلات بی‌قربیت نمی‌دانیم که بخوایم با کلمات سخیف خود را به موضع و جایگاهی برسانیم

به این هم اعتقادی نداریم، اما معتقدیم ما به عنوان تشکل برای این که به فعالیتهای حرفه‌ای بپردازیم یک خط فاصله‌ای باید با مسائل سیاسی بگیریم. این تعریف که شما دادید مبتدیان کامل سیاسی بود، آن نقشی که شما از طرف از زمان مرحوم بهشتی گفتید همه سابقه سیاسی داشت می‌خواهم بپرسم که خانه کارگر و حزب اسلامی کار که یک

زمانی که احزاب در ایران غائب بودند، احزاب صنفی، تشکلات صنفی، مدتی به جای تشکلات موسمی عمل کردند، آن هم در قالبهای انقلابی که هنوز هم آن روزه نوعاً ادامه دارد. در این قالب همواره حاضر بودیم با این که از زمان تأسیس حزب که یکی از سندهای ماست که ما حزب نبودیم این تصمیم هم حتی قبل از انتخابات ریاست جمهوری گرفته شده و بعد از آن اجرا شده که نشان می‌دهیم ما اگر حزب بودیم که دوباره حزب تأسیس نمی‌کردیم کوششمان از آن تاریخ این بوده که از مدار مسائل سیاسی فاصله بگیریم بخشهای سیاسی مان را همه را تعطیل کردیم. بعد از آن هر چیزی که به این بخش ربط داشته امیدوار هستیم که در یک دوره‌ای هم این توفیق را پیدا کنیم که در هر همه سیاست کسی از ما چیزی نشود.

قطع‌نامه‌هایی را صادر کردیم که در تماس اینها چه کردیم. در تمام این‌ها موضع‌گیری اصیل ما صنفی است، موضع‌گیری غیر اصیل ما سیاسی است، یعنی بدین معنا که ما هیچ تحرک نکردیم که شما امروز بخواهید که ما در روز کارگر فلان سال جمع شدیم یا فلان مقصد سیاسی، سال بعد جمع شدیم یا بهمان مقصد سیاسی، یا قطعنامه‌ای صادر کرده باشیم.

اما اهدافی سیاسی که یک صنف دنبال می‌کنند، ممکن است اهداف پنهانی هستند و لزوماً بیان نشوند.

در جاهایی که تشکلات صنفی ممنوعند از فعالیت سیاسی که در بعضی از کشورها ما با این مواجه هستیم آنجا در سابقه کار ما بوده، آنجا این تشکلات از طریق احزاب سیاسی تمایلات خود را به نمایش

ماهیت اصیل دارند یا یک ماهیت دو فاکتور؟ منظورم این است که علی‌رغم تشکیل حزب اسلامی کار، خانه کارگر نتوانسته به یک حزب متکی باشد. مثلاً در انتخابات شوراهای یا مجلس شورای اسلامی، پلاکاردهایی را می‌بینیم که اعضای خانه کارگر دارد و این نشان می‌دهد که هنوز رفتار سیاسی خانه کارگر فراموش نشده است.

حتماً ولی هرگز ما یک تشکل سیاسی یا حزب سیاسی نبودیم، اما معنی آن، این نیست که یک تشکل صنفی نباید یعنی هیچ کمونیستی در قوانین ما وجود ندارد فعالیت سیاسی بگیرد، و از طرف دیگر حرف ما این است که ما یک تشکل هستیم کاملاً تعریف دار به این معنا که از روز اول که تشکیل شدیم بخشهایی را تشکیل دادیم، هر کجا اجتماعات، بیانیه‌ها،

ولی منافع کارگران را در غیر سیاسی کردن آنها، در خروج آنها از مبادین سیاسی نمی‌دانیم بالمعکس تقاضای تشدید این وضعیت را داریم، تأسیس حزب هم برای افزایش نقش آنهاست نه برای کاهش نقش آنها، اعتقادمان این است که تشکل‌های صنفی بایستی کوشش کنند که تعریف دقیق و بی‌شائبه‌ای را به کارگران ارائه کنند، این را برای خودشان هیچ کسی هم داخل و خارج نمی‌گویم تصور می‌کنم که برای این تشکیلات بتوانند حرفه‌ای‌تر به کارگران برخورد بهتر است که یک خط فاصله‌ای پیدا نکنند، نه این که هر سیاسی بشوند، اصلاً ما به غیر سیاسی شدن کارگران اعتقادی نداریم و نه این که کارگر را تغییر حزبی شود

بررسی کنید که ما جلوی مجلس پنجم جمع می شویم که مثلاً دلیل جناحی داشت، با جناح راست مخالف بود ولی توی خانه آنها جمع می شدیم، پس جلوی مجلس پنجم در حالی که آقای کمالی هم وزیر بود با چه حسابی جمع می شدیم هرگز، یعنی اگر حوادثی که بر ما گذشت کنار هم بچینیم هرگز نتوانسته تفسیر جناحی و تفسیر حزبی بر آن کنید ولی تفسیر سیاسی حتماً. الان مزدبگیران ایران بالغ بر ده میلیون نفر می باشند. این ده میلیون آدم در مجلس ما، دولت ما حتی چند سخنگوی حقیقی ندارند با این که همه اینها هم مزدبگیر هستند اما به عنوان سخنگوی طبقه طبقه ثروتمند می دانند و از این موضع حرف می زنند، اقتصاد ایران اقتصاد مزدبگیران است. اقتصاد ایران متأثر از اقتصاد مزدبگیران است. این اقتصاد تعریفش تعریف مزدبگیری است. مگر می شود من ده میلیون آدم را بگویم در سیاست نباید دخالت بکنند با چه

اکنون هیچ کسی بر این باور نیست که اعتصاب یک عمل شوک آمیز و کفرآمیز است. اکنون در شرایطی هستیم که با یک فضای مناسب می توانیم به تدریج به سمت تهیه قوانین حمایتی بودیم

حسابی، با چه تحلیلی، اینها حزب سیاسی دارند. یک هدف تقلبی یا هدف ساختگی نیست از روز اول هدفمان بوده، نساختم، ایجاد نکردیم. از روز اول گفتیم، از همان اول هم فعال بودیم. فرقی این است که با تشکیل خانه کارگر آقای کمالی وارد مجلس شده اگر ما این را راجع به من بیان کردید، آقای کمالی قبل از من دبیر کل بوده، من که مادرزاد دبیر کل آفریده نشده ام، قبل از من اینجا با آقای کمالی دبیر کل بوده و آقای کمالی تا زمانی که اینجا دبیر کل بود، نماینده مجلس هم بود.

حادثه تیرماه پارسال که منجر به این شد که اعضای خانه کارگر به وزارت کار حمله کنند صنفی بود یا یک حرکت سیاسی؟

ببینید آن حرکت کاملاً حرکت صنفی بود، به وزارت کار هم حمله نشد به تأمین اجتماعی حمله شد. شیشه های وزارت کار هم آسیب دید.

نه عرض کنم حضور شما که من کاملاً نه در اینجا، نوار آن سخنرانی هم هست هر حرکتی تندی را، زنده باد، مرده باد بر هر کسی را نمی کردم. گفتیم که

بگوید که جریان سومی هم کاندید دارد چون آنها می گویند که پس رأی ماچی شد، ما که این دو تا نبودیم، یکی دیگر هم بود. این در آن باب، ورود آخر من هم در میاندوره ای این مجلس، در این دوره هم هیچ کس من را از حزب اسلامی کار و خانه کارگر کاندیدانکر دیواری میاندوره ای.

یعنی شما به تنهایی به این نتیجه رسیدید که جز کارگران کسی به شما رأی نمی دهد پس از رأی اینها استفاده کردید؟

نه حالا گوش کنید. من حرفم این است که شاید گروههایی دیگر به این رسیده باشند که من جز این فایده ای ندارم و به درد کسی نمی خورم، عکسش هم صادق است. گروههای دیگر احساس کنند که من به درد کار آنها نمی خورم و بهتر است آنهايي که من به درد کارشان می خورم به من رأی دهند اما این حرف را هم قبول ندارم که کارگران فقط به من رأی داده اند.

بسیاری دیگر هم رأی داده اند که کارگر نبوده اند دلایل خاص خودشان را داشتند مگر همه به خاطر این که عرق صنفی داشته باشند ممکن است رأی دهند ولی مطمئن هستم که بسیاری از کارگران هم به من رأی دادند ولی بعضی از کارگران هم ممکن است به من رأی نداده باشند.

رفتار شما این شائبه را

ایجاد می کند که شما از خانه کارگر به مجلس راه پیدا کردید؟

شما اگر برداشتتان این باشد که ما روز اول آمدیم گفتیم که ما رفتار سیاسی نداریم و فریب دادیم کارگرها را حتماً همین طور است. ولی ما از روز اول صادقانه گفتیم ما به دنبال کسب نقاط قدرت خیز و قدرتمندی هستیم که می تواند منافع کارگران را حفاظت و تأمین کند به همین خاطر کوشیدیم هم آقای کمالی را وارد کابینه کنیم اگر می توانستیم، سه وزیر دیگر را هم وارد می کردیم هیچ ابایی هم از این نداشتیم در مجلس اگر ۱۰۰ نفر را هم وارد می کردیم حق کارگران می داشتیم.

اما در کابینه دوم آقای خاتمی، آقای کمالی وارد نشد و شما برآشفته شدید؟

معلوم است که باید برآشفته بشویم. پس خوشحالی کنیم؟! این طبیعی است که هر کس در حقیقت بیاید و مشکلاتی پیدا بکند، مشکلاتش را منعکس می کند اما ما برآشفتگی هامان هم، ربطی به ورود و خروج آقای کمالی ندارد یعنی لگر شما الان

می گذارند و می توانند تمایلاتشان را از طریق احزاب اعلام نمایند معنی اش این است که احزاب می توانند تشکل وابسته به خود ایجاد نمایند اگر کردید طبیعتاً تمایل آنها را باید پیگیری کنند.

پس خانه کارگر اهداف سیاسی داشته است! ما هدف گیری سیاسی و جهت گیری سیاسی را به معنای تام و تمام نمی می کنیم، من خودم بیان کردم، این جور عمل کردیم. ما از روی زمین جوشیدیم بیابیم بیرون، از داخل جمهوری اسلامی آمدیم به اینجا، از آسمان متولد نشدیم، اصلاً من فلان کس، آقای کمالی، آقای ربیعی، فعالیت های صنفی شناسنامه دار دارند، یعنی آقای ربیعی نماینده کارگران جنرال موتور بوده، به عضو اولین شورا است، رئیس اولین شورا است، این نمی تواند بگوید که از دستگاه اطلاعاتی رفته چون مملکت ما دستگاه اطلاعاتی نداشتیم، بعدش هم نگفتم آقای کمالی، مادرزاد وزیر آفریده شده، ایشان از قبل از انقلاب فعالیت صنفی اش را در ۳۰۲ واحد کارخانه آهن و... شروع کرد و بعد در سطوح بالاتر، فعالیتش را ادامه داد. روزنامه ای هم به اسم کارگر مسلمان منتشر کرد که در اواخر سال ۵۷، صد هزار تیراژ داشت و کسی نمی توانست در آن زمان این چنین ادعایی داشته باشد.

همه این ها شناسنامه کاری است. هیچکدام از اینها شناسنامه سیاسی ندارند. شناسنامه چیست؟ من مثلاً عضو یک حزب سیاسی هستم، بعداً بیایم در یک تشکل کارگری کمک کنم، وارد بشوم، یعنی برای من نمی توانی شناسنامه سیاسی پیدا کنی چون من مثلاً شناسنامه سیاسی ندارم. برای آقای ربیعی نمی توانید شناسنامه سیاسی پیدا کنید چون شناسنامه ایشان از مسائل کاری شروع می شود. من فکر می کنم رفتار نخبگان سیاسی خانه کارگر به رفتار صنفی آنها تفاوت دارد شما می فرمایید در مجلس سوم این اتفاق افتاد، از مجموعه رأی کارگران استفاده کردید و وارد مجلس سوم شدید، شما با اهداف سیاسی از کارگران استفاده کردید!

اولاً در میاندوره ای مجلس سوم هیچ طرفی من را به عنوان کاندید خودش معین نکرد، اگر من دارای رفتار سیاسی بودم، باید با جناح راست یا چپ کنار می آمدم، در آن انتخابات دو نماینده از جناح چپ، دو نماینده هم از جناح راست انتخاب شدند، هر کدام هم چهار کاندید معرفی کردند مجموعاً هشت نفر، من اسمم در بین این هشت نفر نیست. این یک سند بزرگ اما من نفر پنج این لیست هستم یعنی رادیو که اسم می خواند، اسم من را عمداً می خواند چون می خواهد

این تکیه ما نیست؛ امسال هم گفته ام که هر حرکتی داشته باشیم با افرادی که این تندی هارامی کنند از قبل برخوردار می‌کنیم.

آیا واقعا هم همین طور بوده است؟

بله واقعا همین طور است. بعد هم برخورد می‌کنیم. گفتند در فلان نشست راجع به فرد چند تندی کردند. گفتم فیلمش را خواهم دید با تک تک افراد هم برخورد خواهم کرد. تویببخ تشکیلاتی بزایشان خواهم نوشت. چون ما خود را یک تشکیلات بی‌تربیت نمی‌دانیم که بخواهیم با کلمات سخیف خود را به موضع و جایگاهی برسانیم. این کلمات خطاب به هر کسی باشد حتی به دشمنان مان، حتی به مخالفان مان، ما با مخالفان ندمان هم از به کارگیری کلمات سخیف دوری جستیم. این جور حرکات را هم هرگز تأیید نکردیم. بلافاصله هم من نامه نوشتم همان روز

وزیر کار و امور اجتماعی نبوده است؟
هرگز. پیام که زبان داریم برای پیام دادن، راحت می‌گیریم.

بعضی وقتها پیام های زبانی خیلی مؤثر نیست؟

نه ما پیام زبانی را مؤثر می‌دانستیم و اصلمان هم بر اختلاف با وزارت کار نبوده و نیست ولی اگر هم کسی با ما اختلاف کند، تردید نمی‌کنیم که در اختلاف با او برخورد کنیم و برخوردمان صریح، روشن و آشکار است. هنوز ما به یک برخورد صریحی نرسیده ایم هر جا هم که رسیدیم گفتیم هیچ ابایی نکرديم اگر در نقطه ای به اختلافی رسیدیم مثل قضیه روزنامه همشهری تا آخر ایستاده ایم، فقط تنها تخفیفی که دادیم شکایتمان را ادامه ندادیم که بخواهیم انگشت اتهام را متوجه کسانی بکنیم که دنبالشان بودیم. چون ما از

می‌گیرد. این نبوده است. ما حرفمان این است که در آنجا نسبتهایی به من داده شده باین که هم روزنامه همشهری می‌داند که این نسبتها درست نیست چون قبلاً یا در مصاحبه شده بود به آنها پاسخ داده شده بود. هم اسناد کاملاً به آنها ارائه شده که این نسبتها درست نیست.

آنها چه گفتند؟

چیزهای مختلف، یعنی از همین موضعی که شما سؤال می‌کنید که آنها سعی کردند جا بیندازند که تشکیلات خانه کارگر یک حزب است، بعد آمدند نشان دادند که یک بار خانه کارگر سوار بر حزب است، یک بار هم حزب سوار خانه کارگر است، این جور حرف‌ها؛ که این‌ها توهم آشکار است. ما اصول قانون اساسی را در اساسنامه مان در یک بندی داریم، اصل قانون اساسی را عیناً نوشتند و بعد زیرش نوشتند این نشان می‌دهد سیاسی هستند. بند ۲ اصل ۴۲ قانون اساسی را نوشتیم بدون این که حتی نویسنده بخواند و یا بداند که این اصل چیست؟ نقدی نوشتند که بله، ما گفتیم که اینها سیاسی هستند، خودشان هم نوشتند در اساسنامه شان، گفتیم که این عین قانون اساسی است که ما نقل کردیم حتی یک کلامش را هم

در باب مسائل داخلی همواره منافع خودم و مجموعه ام را انتخاب می‌کنم ولی هرگز مغایر قانون و خارج قانون عمل نمی‌کنم

دوستان همشهری روز اول هم بیشتر از این نخواستند بودیم که در مسائل داخلی ما مداخله نکنند. قبلاً هم پیام داده بودیم، چند نوبت بعد از ۳۰ بار مطلبی که علیه ما نوشته

بعد از ظهر، اظهار تأسف کردیم. با این که بعد از ساعت راهپیمایی یا یک ربع گذشته از راهپیمایی ما این اتفاقات افتاد، ولی چون انتظامات ما زودتر از موقع ترک موضع کرد. چون ما از قبل احتمال می‌دادیم ممکن است این اتفاق بیافتد، به آنها گفتیم که تا آخرین نفر که اینجا را تخلیه کردند شما در را، و این میدان را رها نکنید که کسی بتواند وارد ساختمان شود. ولی آنها کسی زودتر رفتند، توی فیلم هم هست که چند نفرشان مانده بودند که نمی‌توانند جلوی جمعیت را بگیرند اگر فیلم را ببینید اولین کسانی که می‌کوشند که جلوی جمعیت را بگیرند انتظامات ماست. بعد هم ما به تأمین اجتماعی نوشتیم که آماده ایم اگر غرامتی به شما وارد شده، جبران غرامت بکنیم، به واسطه بی‌احتیاطی انتظامات ما که گفته

بودیم حداقل تا نیم ساعت بعد از واقعه بمانید چون امکان دارد کسانی بروند دور بزنند، برگردند و چون ممکن است اصلاً انگیزه شان از آمدن به اینجا این باشد که شیشه ای، چیزی را بشکنند، اینها را پیش بینی می‌کردیم.
پس این مساله پیام به آقای صفدر حسینی

بودند ما حداقل ۲ بار توسط آقای دکتر پیغام دادیم که در مسائل داخلی ما مداخله نکنید. این مسائل خاص حوزه ماست.
یعنی نوشتن یک روزنامه در مورد مسائل کارگری می‌شود دخالت در مسائل داخلی شما؟ نه، این کمی حرف دارد، اصولاً آنچه که آنجا انجام



جایه جا نکردیم، چگونه قانون اساسی می‌شود این بدست‌نهایی شخصی که من جواب دادم.
خوب چرا کسی باید از حضور جناب آقای علینظامی منجوب در فضای سیاسی کشور احساس خطر بکند؟
احساس خطر نمی‌کردند چون خودشان قبلاً در

یهودی که کارت من را می‌گیری یا به من حق عضویت می‌دهی. نمی‌توانم تشخیص بدهم دارای چه عقیده‌ای هستی چگونه می‌توانم چنین نخبه‌گرایی حزبی بکنم. یعنی یک مجموعه‌ای که مدعی است مثلاً دو میلیون آدم توی ظرفش ریخته این می‌تواند بگرد توی اینها. این چیزها را پیدا کند. اصلاً سیاقش این بوده، زمانی که یعنی شهید دکتر بهشتی اصرار داشته که این تشکیلات تشکیل بشود سیاقش این بوده که این تشکیلات غیر حزبی است.

در مورد این که خانه کارگر، جنبش کارگری را به نفع خودش مصادره کرده است چه دفاعی دارید؟

جنبش کارگری به این معنا که یک مجموعه‌ای همواره متحول و متحرک است هیچ کسی نمی‌تواند مصادره‌اش کند به نفع خودش. چرا؟! چون هر کسی می‌خواهد همراه این حرکت این جریان باشد بایستی متناسب با خواست توده و عموم این مجموعه، شعارها، اعمال و اقدامات خود را تنظیم کند.

آیا شما در مقابل احزاب دیگر و گروه‌های دیگر واکنش تنیدی نشان نمی‌دهید اگر بخواهند وارد فضای جنبش کارگری شوند؟

من برای شما سند می‌آورم، می‌گویم که جناح راست جامعه اسلامی کارگران را تشکیل می‌دهد. آنها به ما بسیار نسبتها دادند، ما فقط در بعضی از مواقع جواب دادیم.

اما روزنامه آفتاب یزد که در نقد شما نوشت هواداران شما رفتند و با مسوولان روزنامه برخورد کردند.

نه همان بیانیه ما را بخوانید، برای چه برآشفتم، بخوانید ما به چه برآشفتم، ما برای این که گروهی در مقابل ماست بر نیاشفتم، ما اگر دائم نام شما را غلط تلفظ کنیم، مرتب تکرار کنیم، بعد من چیز بدتری هم بگویم، شما چه برخوردی می‌کنید؟ ما نامه رسمی به ریاست جمهوری نوشتیم، قبلاً از این تاریخ گفتیم برخی از روزنامه‌ها از این عنوان راجع به ما استفاده می‌کنند، ثبت این است، عنوان ما این است، ما همیشه به عنوان یک نهاد معرفی می‌شویم. نهاد، نه به عنوان یک حزب، نه حتی به عنوان یک تشکل، به عنوان یک نهاد معرفی می‌شویم. نه پسوند حزب داریم، نه پیشوند. دستور فرمائید وزارت کار، وزارت ارشاد فقط در مورد ما از عنوان خودمان استفاده کنند. عنوان ثبت ما این است. کلمه پس و پیش نداریم. درست بعد از این اعلام به همه ابلاغ شده، خودمان هم غیر از این نوشتیم، دو سه بار هم تکرار کردیم، ما می‌گوئیم چرا از من با عنوان دیگری یاد می‌کنند من

مقصودی را دنبال می‌کند. اینها اصراراً تا نوشتند. اگر شما می‌خواهید چیزی در بیاورید باید از اینها در بیاورید. نه این معنا که از من بپرسید که آقا هدف، می‌گوئید اینجا چه کار می‌کردم گفتیم به نظر می‌رسد که از وزیر می‌تواند نزدیک او هستیم دارم دفاع می‌کنم.

ما اولاً در موضع مخالف آنها آن روز نه وارد صحنه شدیم و نه به عنوان مخالف رفتیم آنجا. ولی این فرض غلط، سبب این نگارش غلط می‌شود این دنباله پیدا می‌کند. البته وزارت کار و دولت باید پاسخگویی این باشند که نهادهای کارگری الان دموکراتیک هستند یا نیستند من که نباید پاسخگو باشم.

چون قوانینی که نوشته می‌شود اصولاً قوانین هستند که اندازه دموکراسی را معلوم می‌کنند. نه من، نه افکار عمومی، افکار عمومی جهت به ما می‌دهد، قوانین به ما راه اصلی را نشان می‌دهد ما می‌گوییم که این قوانین هم معلوم است کجا نوشته می‌شود در جایی که نوشته شده و می‌شود. بایستی در واقع حدودش معین می‌شده است. من تصور می‌کنم که ما باز هم برگردیم به این معنا که ما یک تشکلی بودیم با این مشخصاتی که گفتیم که کم، نه زیاد، هرگز مدعی این نشدیم که ما از روز اول مثلاً سوپر صنفی بدون هیچ نوع تعلق سیاسی تشکل مان را بنا کردیم، نه کاملاً با این محاسبه که کارگران بتوانند در قدرت سهیم و شریک باشند نقش بگیرند. قدرتمند حضور پیدا نکنند، به نفع خودشان سیاستهایی را تغییر بدهند حاضر شدیم. هرگز هم با این معنا که حزب جدیدی را درست کنیم این تشکیلات را بنا نکردیم چون ما قبلاً در حزبی بودیم در بالاترین رتبه حزب جمهوری اسلامی هم بودیم. احتیاجی هم نداشتیم که حزبی درست کنیم چون حزب حاکم بود. بزرگترین حزب بود. ۸۰ و چند درصد آراء مجلس را در اختیار داشتیم. اصلاً ضرورت تعریفی برای این معنا پیدا نمی‌کنیم. ولی همان موقع دنبال این بودیم که آقای کمالی را به مجلس بفرستیم پس نمی‌تواند کسی تفکیک قائل شود بعد هم که حزب نبود، هرگز به دنبال این نبودیم که به جای حزب فعالیت کنیم نه از فعالیت‌های صنفی خودمان را رها کنیم. ما در حقیقت در سیاستی که پیش گرفته بودیم ادامه دادیم، جهت اصلی، میثاق اصلی، مدت اصلی ما فعالیت صنفی بود، بخشهای ما این را نشان می‌دهد. شرح و وظایمان این را نشان می‌دهد، اساسنامه و اسم و عنوان واحدها و کارکرد واحدها و بخشها نشان می‌دهد، نوع عضوگیری ما نشان می‌دهد حزب باید نخبه‌گرا باشد. ما هیچ موقع نخبه‌گرا نبودیم. ما یک تشکیلات توده‌ای هستیم. توجه ندائیم اصلاً نمی‌شناسیم. تو مسلمانان یا

روزنامه صراحتاً می‌نوشتند با اسم هم می‌نوشتند یعنی در روزنامه نوروز صراحتاً می‌نوشتند، تهمت‌های آشکاری آنجا زدند، مثلاً فرض کنید ده شرکت را منتسب کردند به خانه کارگر. با قلم خودشان هم نوشتند، گفتند خانه کارگر دارای این شرکت هاست.

شاید از خانه کارگر می‌توسند؟

حالا گوش کنید خانه کارگر تکذیب نوشته، تکذیبی را چاپ نکردند، خیلی با صراحت آشکار، ما تذکر دادیم به مسوولان شان که ما اصل مان در شکایت از روزنامه‌ها نیست، ولی جوابیه ما را چاپ کنید با فاصله زیادی بعد آن جوابیه را چاپ کردند، بعد گفتند نه اینهایی که گفته‌اند چنین نبوده است.

یعنی جبهه مشارکت خانه کارگر را هدف گرفته است؟

من اصلاً به این حرفها کار ندارم. نه من به این اعتقاد ندارم.

به هر حال، ببینید عرض من این است که ما آنجا، در روزنامه نوروز، یا قبل از آن مشاهده کردیم، تماشا می‌کردیم. حرفها با اسم و عنوان تندتر و بدتر از این هم نوشته می‌شده چه دلیلی دارد که کسی این حرفها را زده و من از او شکایتی نکردم. ولی توانستم قبل از این او شکایت بکنم، برخورد بکنم یا هر چیز دیگری، امروز شده مشاور، یک سمتی گرفته برود جای دیگری با عنوان دیگری چیزی بنویسید.

اما شما می‌گویید که جبهه مشارکت در روزنامه‌هایش، هدفمند برخورد می‌کرده است نه در صدد اثبات این معنا نیستیم که در یک جریان تعریف شده‌ای، هنوز هم به یقین نرسیده‌ام و گرنه به یقین می‌گفتم که.....

که مشارکت با شما دشمن است؟

که دشمنی شده یا نشده، نه من به این قاطعیت که شما حرف می‌زنید، نه نتیجه‌گیری کردم نه حاضریم که نتیجه‌گیری کنم.

اما جبهه مشارکت در روزنامه‌اش این کار را کرده است؟

نه، ما دعوی صنفی مان را داریم. به ما هم آنجا اتهام صنفی زده نشده، تنها عنوانی که نسبت دادند گفتند که اینها یک حزب هستند، همین حرفهایی که اینجا زده شده، من می‌گویم که کسی یک حرفهایی را تکرار کرده، بدتر و بیشتری را هم تکرار کرده، مثلاً در ۲۵ تیر، در روزنامه نوروز نوشتند، آنجا ۲ هزار نفر بیشتر نبودند. ما می‌گوئیم عیب ندارد. این فیلم یکی بیاید بشمارد. شاید ۲۰۰۱ نفر باشد، بشمارد. این شیوه انعکاس مطلب و کوچک‌نمایی یک حرکت چه



در استان ها هم، هر تشکیلات خودش درآمدش را تامین می کند؟

بله. ما جز یک مبلغ که برای اداره کل از همه دریافت می کنیم هیچ خانه کارگری را از اینجا هزینه ای نمی پردازیم. مگر در شرایطی که مشکل حادی پیدا کند و یا آستانه تعطیلی یا مشکلات خاص مالی قرار گیرد. دفاتر شهرستان معمولاً پول می فرستند که ما تنخواه می کنیم، یعنی ما حسابدارشان هستیم. حساب پول شان را نگه می داریم، ما تشکیلاتمان از این جهت کاملاً فدرال است اصلاً هیچ تشکیلات متمرکزی نداریم یعنی پولی نداریم که بخواهیم توزیع کنیم. برای همین ممکن است ۲ میلیاردی که شما گفتید درست باشد.

استقلال مالی باعث این نمی شود که خانه های کارگر شهرستانها خودمختار شوند؟

اگر شده بود ما تعطیلش می کردیم، نه خیر نمی شود. اگر می شد که تعطیلش می کردیم. مسائل مالی، نحوه عملکردها و جهت گیری های مراکز را خدشه دار نمی کند چون حساب ها می آید در مرکز، تنخواه می شود و برمی گردد، ولی البته ما هزینه ها را چک می کنیم که آیا برابر مصوبات انجام شده یا خیر، ما حسابدار آنها هستیم. جالب است بدانید که ستاد خانه کارگر ممکن است حتی کمتر از ده نفر حقوق بگیر داشته باشد.

یکی از بحث هایی که در مورد خانه کارگر بوده آن است که کارکرد صنفی آن مناسب نبوده است. مثلاً در مورد اطلاع رسانی به مجامع کارگری و اعتصاب. در مورد اعتصاب که بسیار درباره آن صحبت شد ولی خانه کارگر هیچ وقت به آن نزدیک هم نشده است. علیرغم اینکه مثلاً آقای صادقی در این باره خیلی شعار داده بودند. مثلاً سال گذشته در مورد حقوق اولی این حرف ها تحقق نیافت. چگونه ممکن است حرف هایی بزند تنها برای تبلیغات و آن ها هیچ وقت محقق نشود. خوب حرفی است. ممکن است ما خیلی اشتباهات مرتکب شده باشیم و ممکن است خیلی از شعارها مان هم محقق نشده باشد. اما من به برخی اهداف به عنوان سابقه عملکرد، اشاره می کنم و این ها نشان می دهد که ما در بعضی از زمینه ها اقداماتی را انجام دادیم که با ادعای شما مغایرت دارد.

ببینید ما در ماده ۱۲۲ قانون کار صراحتاً حق اعتصاب مطالبه کردیم تنها به ما گفتند که اسمش را نیاوریم. ما قبل از قانون کار در این مورد پیگیر بودیم، این ماده هم صراحتاً با اصرار و تصمیم گیری تشکیلاتی چون نه در پیش نویسی پیشنهادی دولت

نظریات خودم بگیریم. اما در عین حال می توانید رجوع کنید ببینید کدام کمک را ما از آنها دریافت کردیم؟ نه ما هیچ کمک کار نکرده ای را از کسی دریافت نکردیم! برای هر کسی فعالیت و کاری کردیم، در ازاء آن دریافت کردیم.

منظور از این فعالیت ها چیست؟

مثلاً بنده در همین تشکیلات خانه کارگر، برنج کیلو کیلو کردم و توزیع کردم و بعد به صاحب کار گفته ام پولی که می خواهی به توزیع کننده بدهی به این تشکیلات بده، این گونه فعالیت ها. چون اگر دیگری هم انجام بدهد باید همین مبلغ را دریافت کند. دفاتر خانه کارگر در آستانها هم ممکن است چنین کرده باشند یعنی من نان مفت نخوردم، نان پارکشی خوردم و حقم هست که نان پارکشی ام را دریافت کنم و آن طور که دوست دارم هزینه کنم. شما ممکن است شخصی هزینه کنی، من تصمیم گرفتم عمومی هزینه کنم. ما منظورمان این فعالیت است، کارگر وقتی کم آورد چه می کند، می رود و کار می کند، کمبودش را جبران می کند. این را که نمی توانیم بگوئیم دیگران به او کمک کردند؟ یا بگویند که شما از دولت استفاده کردید! مثلاً آقای ستاری فرمود می شد که بن باز نشستگانی که ما از طریق امکان توزیع می کردیم رانت محسوب می شد. ما ۱۰ درصد کل مبلغ را به عنوان دستمزد می گرفتیم که با کل هزینه های چاپ و توزیع بن، می شد ۱۲ درصد، اما تعاونی شهر و روستا همین بن ها را توزیع کرده با ۱۷ درصد دستمزد. تمام هزینه های چاپ و... را هم آقای ستاری فرپرداخت کرد و الان هم گفته می شود که ۲۰ درصد پول ها و بن ها کم شده است.

کل مبلغ این بن ها چه قدر بود؟

کل مبلغ بیشتر از ۱۰ میلیارد تومان بوده است. یعنی حداقل چند میلیارد از اموال عمومی کم شده است.

این را باید از خودشان بپرسیم ما گفتیم که تخصص می کنیم من هیچ رقمی را حق ندارم که اعلام بکنم، چون عدد ندارم اعلام نمی کنم، ولی این را خودشان هم قبول دارند این اختلاف بینشان هست. حالا ممکن است که شهر و روستا هم بگویند که چون تسویه شده حالا بگویند من یک ریال بدهکار نیستم، این را نسبت می دهند، ممکن است بخشی از حرفش درست باشد. من چه می دانم، ولی ادعای خودشان را می گویم. این ۱۷ درصد دستمزد را هیچ طرف نمی تواند منکر شوند.

با این نمونه به شما صراحتاً روشن گفتیم که چه نسبتهایی را می توانسته بدهند و ما چگونه عمل کردیم.

نمی توانست وحدت این همه تشکل متفوق را که هر کدام کنگره مستقل خودشان و انتخابات مستقل خودشان را فراهم کند در تشکیلاتی که هر روز انتخابات اتفاق می افتد در خودش یا مستقیم چگونه می شود که بگوئیم کسی بدون تراز کارکرد صنفی، خودش را حفظ کرده است.

سایر درآمدهای که فرمودید، شامل چه چیزهایی می شود؟

اصولاً گفتیم ما از شخصیت های متعددی تشکیل شدیم از تعاونی های مختلف، همین الان اتحادیه اسکان دارد خانه سازی می کند ما از این ها کمک دریافت می کنیم اتحادیه امکان بزرگترین تعاونی مصرف، اتحادیه تعاونی ایران است. ما از دولت که تمویل گرفتیم ۲۰ درصد گردش مالی تعاونی در اختیار این مجموعه بوده، ولی ما در سال های اخیر آن را به ۶۰ درصد رساندیم و این اتحادیه الان بزرگترین تشکیلات اتحادیه ای است.

آیا خانه کارگر سهام دار است؟

نه خانه کارگر هم حتی سهامدار آنجا نیست. هیچ نقشی قانوناً و رسماً ندارد.

پس بر چه اساسی اتحادیه های امکان یا اسکان را به شما تحویل دادند؟

چون متعلق به کارگران است و چون متعلق به این مجموعه کارگری است. کسانی که مجامع شان اعضا را انتخاب می کنند، به هر دلیل من را به عنوان رییس مجمع انتخاب می کنند، یعنی هیچ کسی از وزارت تعاون نمی رود توصیه کند که فلانی را بگذارید رییس مجمع.

ولی خانه کارگر که به کارگران توصیه می کند.

حتماً خانه کارگر توصیه می کند، خانه کارگر استان به استان سعی می کند کارگران را تشویق کند به چه کسی رأی بدهید، به چه کسی رأی ندهید. این جزو وظایف ماست. ما برای چه هستیم، اما این که شما بگویید ما قدرت مالی داریم برای نفوذ می کنیم این قدر سهام داریم دیگر هیچ کسی نمی تواند حرف بزند، این گونه نیست.

ولی هیأت مدیره در این اتحادیه ها را شما انتخاب می کنید.

معلوم است که هیأت مدیره را باید اکثریت انتخاب کنند مگر باید اقلیت انتخاب کنند؟ ما افرادمان بر اساس قانون انتخاب شدند، بر اساس اساسنامه انتخاب شدند، برابر قانون اساسنامه وقتی فردی انتخاب شد، معلوم است وقتی قوی ترین هیأت مدیره را انتخاب کردیم، حق داریم که تصمیمات را متعلق بر

درباره آن یادداشتی که آقای علی حق پیرامون وزارت کمالی نوشتند بگویند.

من این طور به شما بگویم که آقای کمالی هرگز به این باور نبود که وزیر خوبی نبوده یا باستانی در کابینه نباشد و حتماً هم می‌کوشید وزیر باشد اگر هم از خودش بپرسید همین را به شما می‌گوید.

پس چرا به عنوان وزیر کار معرفی نشد؟

الآن بهتر توضیح می‌دهم. آقای رییس جمهور دو بار با ایشان صحبت کرد. هر دو بار خواست مواضع ایشان را راجع به قانون کار بداند. آقای کمالی بار اول خیلی صریح اعلام موضع نکردند. در بار دوم صراحتاً گفتند که آقا من از این قانون کار حمایت می‌کنم و حتی یک خطش هم نمی‌خواهم جابه‌جا شود. ایشان گفته بود که با این وجود می‌خواهید وزیر باشید. گفته بود که بله! آقای خاتمی گفته بودند من وزیری می‌خواهم که در این قانون تغییراتی ایجاد بکند. آقای کمالی گفته بود در این صورت من اون نیستم. آقای خاتمی دوباره گفته بود: پس حالا کس دیگری را معرفی کن. آقای کمالی جواب داده بود خودم را معرفی می‌کنم. من بیشتر از خودم کسی را در این مأموریت قبول ندارم. آقای کمالی از کاری که در واقع به عنوان یک مأموریت به او سپرده شد، هرگز فرار نکردند. مواضعشان را هم هرگز عوض نکردند. برای حفظ موقعیتش لازم نبود کس را بکشند. لازم بود از مواضعشان عدول کنند. حتی در مورد کارگاههای ۱۰ نفره و پیمانها که آن موقع نوشته شده بود آقای کمالی گفته بود تا وقتی من هستم زیر بار اینها نمی‌روم. برخی به آقای کمالی گفته بود اینها، قضایا را آرام می‌کند. این وضع را تغییر می‌دهد. آقای کمالی به آنها گفته بود نگران من نباشید. موقعش من را می‌گذارند کنار.

پس در این صورت همان گونه که آقای علی حق نوشته بود، آقای کمالی باید وزارتش را تغییر می‌داد، می‌آمد وزارت تعاون.

این حرف درست نبوده، جواب هم دادیم. این حرف را ایشان از سر اطلاع ننوشتند، یعنی هر دو حرف را از سر اطلاع ننوشتند. من عرض کنم خودم جواب نوشتم؛ من خودم توجیه نوشتم و به قلم خودم نوشتم، و اگر خودش بود انشاء می‌کردم و می‌گفتم بنویسد، چرا؟ چون به نظر من، اما حق نداریم راجع به اتفاقی که نیفتاده یا اطلاع نداریم چیزی را بنویسیم.

همین هایی که من به شما گفتم، یکی یکی به آقای علی حق گفتم و ایشان متأثر شد.

از اینکه وقت تان را در اختیار ما گذاشتید سپاسگزاریم.

نباشیم. ما با برخی دیدگاه‌ها موافقیم مثلاً مبارزه با فساد از نظری بسیار حرف پسندیده‌ای است. مهم نیست که چه کسی مطرح کند. حتی چه جناحی مطرح کند. به این باور داریم، ولایت فقیه می‌تواند است خلی اشکال داشته باشد. ما جزو طرفداران افراطی نبودیم که حرفهای عجیب و غریبی می‌زنند، جامعه اسلامی درست کرده بودند، حرفهایی درست کرده بودند عجیب و غریب، چیزهایی می‌خواستند از کارگران عجیب و غریب، چون ما همان موقع نگفتیم، این اندازه این یک اندازه افراطی است. تعریف ما کاملاً مشخص است و به آن عمیقاً هم اعتقاد داریم برای مصلحت و اینها این حرف نمی‌زنیم در اساسنامه‌مان هم نوشتیم کسی هم ما را وادار نکرده این را بنویسیم. اگر هم می‌خواستیم پاک کنیم هم کسی جلوی ما را نمی‌گرفت. اعتقاد داریم، اعتقادمان را هم دنبال می‌کنیم. اگر این اسمش محافظه کاری است ما محافظه کار هستیم. این عقاید را در نمی‌کنیم ولی اگر بحث دموکراسی است. دموکراسی اگر از پایین جریان پیدا کند، اگر بتوانیم دموکراسی از پایین را تضمین بکنیم هیچ کس بالاتر از دموکراسی در ایران نخواهد بود. با هر عنوان، با هر مقام، با هر جایگاهی علت شکستهایی که ما می‌بینیم این است. این است که ما در شعار و برای طبقه نخبه و بالا دموکراسی می‌خواستیم ولی ما دموکراسی را برای توده‌های مردم می‌خواهیم، برای کسانی که کار می‌کنند می‌خواهیم. می‌گوئیم آنها اولی هستند و قانون اساسی هم باید به ما راه را نشان دهد.

آخرین سوال من درباره روزنامه کار و کارگر است. یک موقعی روزنامه کار و کارگر به عنوان ارگان خانه کارگر یک روزنامه وزین بود و آقای ربیعی خودش مدیر مسوول بود اما الان این طور نیست چرا؟

ناشی از ضعف کارایی ماست ما بر آن مواضع هستیم. در مورد روزنامه هیچ محدودیتی اعمال نمی‌کنیم در مجموعه ما هم انتقادهای زیادی به روزنامه وجود دارد. همان چیزی هم که شما می‌گویید. حالا شما از منظر سیاسی می‌گوئید ما قبل از این می‌گوئیم که منظر صنفی مان خیلی قوی تر بوده، ما از نظر صنفی معترض هستیم. معتقدیم که روزنامه باید خیلی قوی تر و بهتر از این باشد. تذکر اتمان را هم دائماً در این باره هم داده ایم انتقادهایی هست باید این انتقادها را تصحیح و اصلاح کنیم و درست کنیم این اشکال ماست چون مهمترین زبانی که ما می‌توانیم با کارگرها حرف بزنیم، این روزنامه است.

بدون نظر شما به کسی داده باشد ممکن است با او حرف بزنید. البته کسانی که از وی بازجویی می‌کردند بارها به سراغ من آمدند و من همه چیز را به وضوح در مورد شخصیت ایشان توضیح دادم.

در مورد این هم صحبت کرده‌اند که هنگام درگیری‌های دانشجویان در تیرماه ۷۷، اعضای خانه کارگر در سرکوب آنها همکاری کرد.

والا ما از این مورد بی‌اطلاعم چون تا حالا اینجا چنین چیزی مطرح نبوده، چون بعضی از افراد متسوب به حزب ما هم که حتی بعداً شهید هم شدند در آن قضیه دستگیر شدند ما به دنبال آن بازداشت شده‌ها بودیم رنگ می‌زدیم که نیروی ما کجاست به ما تحویل بدهید. طبیعتاً فرصت این که چنین کاری بکنیم نداشتیم.

آقای محبوب، خانه کارگر یک موقعی از چپ قدیم مجمع روحانیون مبارز فاصله گرفت، بعد دوباره به مجمع روحانیون نزدیک شد و در جرگه اصلاح طلبان فرار گرفت. اواخر دوره اول ریاست جمهوری آقای خاتمی و اوایل دوره دوم ریاست جمهوری آقای خاتمی احساس شد که در عین حالی که خانه کارگر چپ فکر می‌کند و در امور اقتصاد هم راستای مجمع روحانیون مبارز است اما محافظه کار شده است. آیا این تحلیل‌ها درست است؟

جناح راست می‌تواند بهترین پاسخگوی در این موضوع باشد، چون ما مهمترین انتقادمان به افرادی که عضو چپ بودند، این بود که ذاتاً به راست گرای در غلطیدند. چگونه ما اصلاً می‌توانیم راجع به این حرف بزنیم. ما معتقدیم که حاکمیت مردم در بالا تعریف نمی‌شود. دموکراسی اصلاً موضوع طبقات بالا نیست، موضوع طبقات پایین است. فقط لیبرال دموکراسی است که از بالا به همه چیز نگاه می‌کند. یا حتی لیبرالیسم فراتر از آن، من وقتی می‌بینم کسانی پیدا می‌شوند که شعار ماورایی می‌دهند ولی به یک شورای اسلامی در واحدشان رحم نمی‌کنند و متحش می‌کنند. نه فقط متحش می‌کنند می‌روند در صلاحیت آنها را می‌گیرند. به این هم بسنده نمی‌کنند می‌گذارندشان دم در. چگونه می‌توانم بگویم اینها برای اندیشه احترام قایل اند اندیشه یک موضوع انتزاعی نیست، احترام به اندیشه، درست است که اندیشه در ذهن می‌گذرد ولی تبلورش عینی است و وجود و عینیت قابل لمس دارد. با پدیده قابل لمس هرگز نمی‌شود ذهنی و محدود بر خور پذیرد. به همین جهت من در یک جمله به شما پاسخ می‌دهم که در انتخابات مواضع مان ممکن است شکل هیچ کس